



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی \_ آزاد کار شده است.

## جنبش های سیاسی زنان در افغانستان

نگارنده: عبدالکریم عبادی

### چکیده:

زنده‌گی واقعی و سنتی را با معیارهای زیبایی و اصالت را هم می‌شود در بین زنان زحمت کش و رنج دیده افغانستان دید، بررسی جنبش های اجتماعی سیاسی زنان در تاریخ معاصر با رویکرد فرا روایت هایی که در تاریخ‌نگاری زنان آمده، از نگاه جامعه شناسی تاریخی، دریچه های نویی را بر سیر حرکت تاریخی آنان در دوره گذار از سنت به مدرنیسم، می‌گشاید. جنبشهای اجتماعی در علم جامعه شناسی به مثابه جریانی از کنش‌ها و تلاش‌ها از سوی مجموعه افراد تعریف می‌شود، تا جایی که «آلن تورن»، جامعه شناسی را علم جنبش های اجتماعی می‌داند. «ماکس وبر»، جنبش های اجتماعی را به عنوان اقدام جمعی گروهی از افراد جامعه میداند که برای نیل به اهداف مشخص، کنش های اجتماعی متفاوتی را که منجر به رفتار انسانی معنادار و عمل کنش‌گرانی دیگر می‌شود، تعریف نموده است. در این پژوهش با بررسی ابعاد نظری جنبش های اجتماعی سیاسی به ویژگی های جنبش های اصلی و مهم و تاثیرگذار زنان افغانی از عصر امان الله خان تا دوره دوم حاکمیت طالبان پرداخته می‌شود. روش پژوهش، جستجو در منابع کتابخانه ای و سایت هایی است که در مورد احزاب و تشکل های زنان افغان در تاریخ معاصر، مطالبی مستند ارائه نموده اند. ظهور کنشگران زن در عرصه های سیاسی اجتماعی؛ و مشارکت شان در دولت‌داری بصورت بسیار ابتدایی از دوره امان الله خان تا بشکل مدرن آن در دوره جمهوری اسلامی در افغانستان، منشا تحولاتی مهم در مبارزه با نابرابریها و واپس-ماندگی این قشر عظیم جامعه را با خود به همراه داشته است. اقدام های متفاوت زنان در جنبش های اجتماعی \_ سیاسی زنان و بازکاو هر یک از صورتهای کنش اجتماعی، در خودآگاهی تاریخی و تبیین اقدامات جمعی در قالب جنبش اجتماعی، حرکت‌های زنان را از شکل انحصارگرایانه به سوی تشکل های اجتماعی، سیاسی و انجمن ها و احزاب در دوره های بعد و نهاد عمومی فراگیر، سوق میدهد.

کلیدواژه ها: زنان ، افغانستان ، جنبش های اجتماعی ، تشکلهای و احزاب زنان

## **Women's political movements in Afghanistan**

**Abdul Karim Ebadi**

### **Abstract**

The real and traditional life can be seen with the criteria of beauty and authenticity among the women who work hard and suffer, the social and political movements of women in contemporary history with the approach of the meta-narratives in women's historiography, from the point of view of historical sociology, new windows It opens on the path of their historical movements in the period of transition from tradition modernism.

Social movements in the science of sociology are defined as a flow of actions and efforts by a group of people, to the extent that "Alan Thorne" considers sociology as the science of social movements. "Max Weber" considers social movements as the collective action of a group of people in society, which has defined different social actions that lead to meaningful human behavior and other activism in order to achieve specific goals. In this research, by examining the theoretical dimensions of socio-political movements, the characteristics of the main and important and influential movements of Afghan women from the time of Amanullah Khan to the second period of Taliban rule are discussed. The research method is to search in library sources and sites that provide documentary materials about Afghan women's parties and organizations in the contemporary history of Afghanistan have presented documented topics.

The emergence of women activists in the political and social arenas since the era of Amanullah Khan in Afghanistan has brought with it the source of important developments in the fight against inequalities and the backwardness of this huge segment of society. The different actions of women in women's socio-political movements and the re-examination of each of the forms of social action, in historical self-awareness and the explanation of collective actions in the form of social movements, leads to the movements of women from the monopolistic form towards social and political organizations and associations and parties in later periods and Inclusive public institution.

**Keywords:** Women, Afghanistan, Social Movements, Women's Organizations and Parties.

Azady

جنبش های اجتماعی سیاسی گرچه زیر مجموعه ای علم جامعه شناسی جای دارد و حتی به عقیده «گیدنز» ویژگی آشکار دنیای مدرن محسوب می شوند، اما مطالعه تاریخ در قالب جامعه شناسی، چارچوبی است که ما را به درکی روشن از وقایع گذشته و حال از راه بررسی قانونمندی جامعه و دگرگونی آن نائل می کند. و اگر میان گذشته، حال و آینده یک جریان اجتماعی، پیوند و ارتباط قائل شویم، نقش جنبش های زنان از آغاز حرکت ها و مبارزات آزادی خواهانه در جهت نیل به قانون مداری، اهمیت می یابد.

وضعیت زنان افغان تا پیش از سلطنت امان الله خان، تغییر و تحول قابل ذکری ندارد. نخستین گام برای جامعه بسته یا ماقبل مدرن، پس از استقلال کشور در ۱۲۹۸ ه ش در زمان امان الله خان برداشته شد. در یک نگاهی عمیق، عصر امان الله، عصر عریان شدن جنگ سنت و تجدد است (آرزو، ۱۳۸۲). از آن پس به لحاظ سیاسی و اجتماعی، تغییراتی کیفی در جامعه افغانستان پدید آمد. برای اولین بار در تاریخ افغانستان، آزادی سیاسی و مصونیت شخصی هر چند بطور محدود، در روابط بیت افراد و دولت مطرح گردید. و به دنبال آن، تغییرات و تحولات در حقوق زنان افغان پدیدار شد، به نحوی که مطابق قانون اساسی که تحت عنوان (نظام نامه اساسی افغانستان) در ۱۳۰۲ ه ش تدوین شد، زنان و مردان در برابر قانون، مساوی شناخته شدند.

در این دوره در حدود پنجاه قانون نامه دیگر با نام نظامنامه وضع گردید که موضوعات متنوع از تشکیلات دولتی و نظام اجباری گرفته تا امور مربوط به زنان را مورد تصویب قرار می داد. اصلاحات امان الله در واقع طی فرایندی تاریخی از دوران احمدشاه ابدالی که دولت افغانی پیریزی شد شکل گرفته بود.

جامعه افغانی بافتی قبیله ای و خان خانی مرکب از اقوام و قبایل مختلف با گرایش های شیعی و سنی و زبان و گویش های جداگانه ای داشت، که با تشکیل دولت مرکزی در دوران احمدشاه ابدالی، حلقه ای ارتباطی بین آن ها ایجاد شد. در مدتی بیش از یک قرن و نیم، از عصر احمدشاه تا امان الله خان، تحولاتی زیاد در افغانستان رخ داده بود، اما سیاست نیروهای استعماری انگلیس و روس از یک سو، و روش زمامداران کشور از دیگر سو، مملکت را در حالت تجرید و انزوا نگاشته بود.

با وجود اختلافات قومی، زبانی و مذهبی، زمینه برای اصلاحات امان الله خان فراهم آمده و اولین قانون اساسی دولت که برگرفته از مجموعه قوانین دولت عثمانی بود، با کمک و همراهی جمال پاشا، رهبر حزب اتحاد و ترقی ترکیه، تدوین شد (صدیق فرهنگ، ۱۳۸۰). طبق این قانون، برای اولین بار در تاریخ افغانستان، قدرت شاهی محدود و برخی از حقوق سیاسی افراد مانند آزادی بیان و نظریات مطرح شد.

در زمینه حقوق زنان، نظامنامه های در باب عقد ازدواج، مالیات و مشارکت زنان در امور دولتی و نقش زنان در جامعه افغانستان تدوین گردید. نخستین جریده زنان به نام ارشادالنسوان با سردبیری زنی بنام اسماء سمیه در این زمان منتشر شد؛ البته باید یادآور شویم قوانینی که در دوران امان الله خان در زمینه مسائل زنان به تصویب رسید، به دلیل نبود شرایط پذیرش فرهنگی و اجتماعی، در عمل، چندان مفید واقع نشد و اصلاحات امانی استمرار نیافت. این اصلاحات با حاکمیت یافتن امیر حبیب الله خان کلکانی در ۱۳۰۷ به بن بست رسید. به تعبیر اغلب محققان، دوران حکومت او، فاجعه ای در تاریخ افغانستان محسوب می شد، که یکی از وجوه غالب آن، غلبه ی جناح سنتی و فهم عرفی محدود بر تفکر مشروطه خواهی و نواندیشی بود. لذا تمام اصلاحات امانی لغو گردید و مالیات محصولات، غیر شرعی اعلام شد. با لغو نظام اجباری، مشکلاتی عدیده برای اداره مملکت ایجاد گردید. مردم در اندک مدتی از او رویگردان شدند و وضعیت زنان نیز همچنان با مشکلاتی بسیار باقی ماند. به همین سبب عمر حکومت حبیب الله کلکانی چند ماهی بیشتر طول نکشید (آرزو، ۱۳۸۲).

کوشش در برپایی قانون صدماتی که در دوران حکومت کلکانی به برنامه های پیشرفت جامعه افغانستان، ناشی از اصلاحات امانی وارد آمده بود، در عصر محمد نادرشاه (۱۳۰۸ ه ش) با غلبه جناح سنتی تداوم پیدا کرد، و با سرکوب نواندیشی و مشروطه خواهی توأم شد. این دوران نسبت به دوره حکومت امان الله، دوره ای سخت، تاریک و پر از تنگناهای سیاسی و فرهنگی بود (آرزو، ۱۳۸۲).

محمد نادرشاه «لویه جرگه» را با این هدف که او قصد پادشاهی ندارد و زمامدار آینده باید از جانب نمایندگان ملت تعیین شود، تشکیل داد، اما او هم درباره اصلاحات امانی، روش منفی اختیار کرد و این امر را در ابلاغیه ده ماده ای با عنوان (خط مشی دولت) به اطلاع عامه رساند. محمد نادرشاه، قانون اساسی ۱۳۰۲ ه ش به همراه سایر قوانین کنار گذاشت، و

اداره محاکم را دوباره به عالمان دینی سپرد، و زنان را به حجاب مکلف کرد و از تعلیم دختران امتناع ورزید، و تعلیم پسران را هم به پایتخت و چند شهر بزرگ محدود ساخت (صدیق فرهنگ).

در دوره امان الله خان نخستین سازمان های زنان با نام انجمن حمایت نسوان و اتحادیه زنان، در دوره محمد ظاهر شاه، موسسه عالی نسوان و در دهه ۵۰ میلادی، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان تشکیل شد. در دهه های اخیر نیز چندین سازمان فعال شکل گرفت که از آن جمله می توان به « سازمان خدیجه کبرا » در قندهار به رهبری مریم درانی، « زنان جوان برای تغییر»، « کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان»، « شبکه زنان افغانستان»، « اتحادیه سراسری زنان افغانستان»، « جمعیت انقلابی زنان افغانستان راوا» و ... اشاره کرد. این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی\_ آزادی کار شده است. در این مقاله به (جنبش های سیاسی زنان در افغانستان) پرداخته شده است.

دوره امان الله خان

نخستین تشکل زنان افغان ( انجمن حمایت نسوان)

نخستین تشکل زنان افغان در زمان امان الله خان با هدف پیشرفت و ترقی و نجات زن از محرومیت شکل گرفت، و در پی حقوق و آزادی زنان به خصوص در تعلیم و تربیت، حق تحصیل، حق کار و استراحت، حق آزادی فردی، مصونیت فردی، آزادی گفتار و بیان، اجتماعات، فعالیت های سیاسی و مدنی، و سفرهای تحصیلی به خارج از کشور بود. در دوره امانی انجمن حمایت نسوان در کابل تاسیس شد که بیشتر در راستای آموزش سواد، دوخت و بافت و امور منزل فعالیت می کرد. در زمان محمد ظاهر شاه، در سال ۱۳۲۲ ه ش «اتحادیه زنان» که بیست زن در آن عضویت داشتند، «موسسه عالی نسوان» را در مرکز شهر کابل با هدف تشکل، آموزش، و روشنگری زنان افغان تاسیس کردند. با پیشنهاد و پیگیری بی بی زینب خواهر امان الله خان، یک قطعه زمین به این موسسه اختصاص یافت و در آن، کودکستان، مکتب، سینما و دفترهای کار ساخته شد. مکتب آن نیز به سواد آموزی برای زنان بزرگسال می پرداخت.

فعالیت موسسه عالی نسوان به آموزش های فنی و حرفه ای محدود بود. نام این موسسه در سال ۱۳۴۲ ه ش به « میرمنو تولنه» تغییر یافت، و زیر نظارت وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان قرار گرفت، و فعالیت آن به سمت گسترش نهضت زنان و اشتراک آنها در امور مهم معطوف گردید، تا موقف زن را در جامعه افغانی به طور سالم تقویت نماید. موسسه نسوان در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی روز ۱۴ جون هر سال را برای بزرگداشت مقام مادر، روز مادر نامگذاری کرد. بعدا صالحه فاروق اعتمادی به مدیریت میرمنو تولنه رسید. او به مکتب مسلکی دمیرمن تولنه توجهی خاص داشت و برای تحصیل دختران افغان در خارج از کشور به آنان کمک می کرد (نظیری، ۱۳۹۱).

دوره ظاهر شاه

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

در نوامبر ۱۹۶۵ میلادی، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان توسط دکتر آناهیتا راتبزاد، ثریا پرلیکا، کبرا علی، حمیده شیرزی، مومنه بصیر و جمیله کشتمند، در کابل بنیان گذاشته شد. از فعالیت های این گروه می توان به برپایی تظاهرات در جهت حقوق زنان اشاره کرد. برای اولین بار در افغانستان، زنان در تظاهرات مظهره ی سه عقرب که توسط گروه های چپگرا سازمان دهی شده بود، شرکت کردند. در سال ۱۳۴۷ ه ش (۱۹۶۸ میلادی) برخی از اعضای محافظه کار ولسی جرگه می خواستند قانونی برای منع تحصیل دختران افغان در خارج کشور به تصویب برسانند، ولی با سازماندهی سازمان زنان، صدها دختر علیه این پیشنهاد تظاهرات کرده و آنرا مغایر با قانون اساسی افغانستان و تساوی حقوق زن و مرد دانستند، که در نتیجه، ولسی جرگه ازین پیشنهاد صرف نظر کرد (همان).

شورا های ولایتی زنان که از سازمان های بسیار قدیمی زنان در افغانستان و منطقه بود، در این زمان تاسیس شدند. این شورا ها دارای ۱۶۵ هزار عضو در ۳۱ شورای ولایتی، ۲۵ شورای شهری، ۳۸ شورای ناحیوی، ۲۵ شورای ولسوالی و ۳۱۰۰ سازمان اولیه اند. آناهیتا راتبزاد که علاوه بر عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، نماینده مردم کابل در پارلمان دوازدهم نیز بود، در ایجاد شوراهای ولایتی زنان، نقشی مهم داشت (پیام آفتاب).

دوره داوود خان

داوود خان در سال ۱۳۵۲ خورشیدی با نظام جمهوری آمد و در حکومتش فضا و فرصت مناسبی برای تداوم نهضت زنان وجود داشت. هر چند سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به خاطر اختلاف نظرهایی که با سردار داوود خان داشت مجبور به فعالیت مخفی شد ولی وضعیت سیاسی و اجتماعی و دسترسی زنان به خدمات صحتی و آموزشی رو به بهبود بود.

از آنجا که تمرکز داوود خان روی توسعه زیر بنا بود، لازم می‌دانست تمامی نیروهای اجتماعی کشور را به کار بندد. زنان بزرگترین نیروی کاری بود که می‌توانست گردش چرخ توسعه را سرعت ببخشد. برای تحقق این هدف، زینب همسر داوودخان در یک ورزشگاه در کابل بدون چادر ظاهر شد و از فردای آن روز زنان جرأت گرفتند که محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی را از سر راهشان بردارند؛ البته که قانون هم از آزادی زنان حمایت می‌کرد. سیما سمر، رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان درباره آن دوره می‌گوید: «دختران فقط در شهرهای کلان دسترسی به تعلیم و تربیت داشتند. من در هلمند با پسرها در یک مکتب درس می‌خواندم، ما ۲۵ دختر بودیم ولی از دختران هلمندی فقط دو نفرشان هلمندی بودند و بقیه، دختران ماموران دولتی از ولایت‌های دیگر بودند. انموقع به اندازه امروز خشونت در این حد نبود حتی به اندازه امروز که از دین و مذهب استفاده می‌شود. صورت نمی‌گرفت. مثلاً به پوشش زنان، کسی کاری نداشت؛ عملاً جوراب سیاه و چادر سیاه/روسی یونیفرم مکتب بود و سائیز چادرت را کسی کار نداشت. سائیز چادر همانقدر بود که فرق سرت را می‌پوشاند. در مورد پوشش ما در خانه یا بیرون کسی غرض نداشت.» دوره جمهوری دموکراتیک (کمونیستی)

فرمان شماره هفت. این سند یکی از مهم‌ترین اسنادی است که در یکصد سال اخیر از سوی رهبران حکومت‌ها در افغانستان امضا شده است. نورمحمد تره‌کی در فرمان شماره هفت حقوق زنان و مردان را مساوی اعلام کرد. در جریان سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ آموزش اجباری سواد برای زنان، لغو شیربها و کاهش مصارف عروسی نیز از جمله تصمیمات قاطعانه‌ی تره‌کی بود که مورد استقبال زنان قرار گرفت. او از میان زنان جوان گروه‌های رقص و آوازخوانی ایجاد کرده بود تا سدهایی را از بین ببرد که جلو ورود زنان به دنیای هنر بنا شده بود. حفیظ الله امین بعد از تره کی خیلی زود از صحنه سیاست کنار زده شد.

ببرک کارمل که با قدرت ارتش شوروی به اریکه قدرت تکیه زده بود، از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ به مدت شش سال حکومت کرد. در دوره کارمل کورس‌های سوادآموزی برای زنان فراهم شد. آنهایتا راتبزاد، وزیر امور اجتماعی کابینه کارمل بود که چندموسری را لغو کرد و آن‌عه از اراکین دولت را که دو همسر داشتند، در روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» افشا و عضویتش سلب می‌شدند. کارمل راه ورود زنان به ارتش را باز گذاشته بود. بنابر گفته‌ی تاجور کاکر، عملکرد نظام خلق و پرچم در قبال زنان بیشتر بخاطر امتیازهای سیاسی بوده و با زنان فعالی که عضو حزب شان نبودند برخورد مجرمانه داشتند.

خانم کاکر می‌گوید: «از سال ۱۳۶۰-۱۳۶۳ به مدت سه سال زندانی کشیدیم، صرف بخاطر اینکه عضویت حزب دولتی را نپذیرفته بودم.» در این دوره، انقلاب زنانه‌ی سازمان راوا از طریق شب‌نامه‌ها و نشریه پیام زن به داخل صنف‌های دانشگاه و مکاتب و تشکل‌های اجتماعی زنان نیز نفوذ کرد.

در دوره داکتر نجیب، حقوق و آزادی زنان یکی از بهانه‌ها برای شورشگران ضدحکومت بود. گروه‌های اسلام‌گرا/مجاهدین ورود زنان در عرصه‌های سیاست، هنر و بازار کار را یکی از بهانه‌هایی قلمداد می‌کردند که آنان را واداشته تا علیه حکومت جهاد کنند. به گفته‌ی خانم کاکر، در مقابل مجاهدین، «داکتر نجیب، واحد نظامی زنان را در موسسه نسوان بنا نهاد» که بیشتر ژست حمایتی از رزمندگان ارتش را داشت. در دوره داکتر نجیب نیز همانند حکومت ظاهرشاه، زنان دربار، در تقویت نهضت زنان سهم ارزنده داشتند. فتانه نجیب، همسر داکتر نجیب معلم و مدیر مکتب بود؛ کریمه کشتمند (همسر سلطان‌علی کشتمند، نخست وزیر وقت) رئیس کودکانستان و محبوبه کارمل به عنوان رئیس پرورشگاه کار می‌کردند. (<https://nimrokhmedia.com/08/03/2021>) دوره مجاهدین

یکی از مسائل جنجال برانگیز دوره مجاهدین، مساله زنان بود که گروه‌ها در مورد آن اختلاف نظر داشتند. با پایان دوره جهاد، شاهد وقوع جنگ‌های داخلی، مهاجرت‌ها و موارد نقض حقوق بشری بودیم. رقابت گروه‌های مختلف مجاهدین، آتش جنگ را بیش تر کرد و پیامدهایش بی‌سریستی، تجارت زنان و دختران، ناپدید شدن زنانی که اشتغال داشتند و غیره، از جمله جنایاتی بود که علیه زنان صورت گرفت. بیش ترین آسیب را درین دوره زنان متحمل شدند(سیرت، 2020).

در حالیکه بسیاری در غرب و کشورهای اسلامی از مجاهدین هواداری می‌کردند، وضعیت زنان افغان در این دوره به فراموشی سپرده شد. در مراحل نخست جنگ در دوره رویارویی میان مجاهدین و نیروهای شوروی، بسیاری از زنان از دسترسی به آموزش محروم شدند، کلاس‌های درس تعطیل شدند و سازمان‌های زنان از فعالیت باز ماندند یا برخی از فعالین آنها کشته شدند. از جمله «مینا کشور کمال» که بنیانگذار انجمن انقلابی زنان افغانستان در سال 1977 م بود در سال 1987 کشته شد.

بیشترین خشونت ها نسبت به زنان توسط هواداران حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار صورت می‌گرفت که مورد حمایت امریکا، پاکستان و عربستان سعودی قرار داشت.

مجاهدین، بخشی در واکنش به سیاست‌های حکومت چپ‌گرای کابل و بخشی به دلیل باورهای که به اسلام منتسب می‌کردند مخالف تحصیل زنان و کار بیرون از خانه بودند. بنابر آمارها در اردوگاه‌های مجاهدین تنها 180 زن به مکتب میرفتند و بسیاری از زنان بیوه در این اردوگاه‌ها در کمپ‌های مخصوصی نگهداری می‌شدند که حکم زندان را داشت. همچنین در سال 1990 م گروهی از روحانیون افغان که همگی آنها به گروه‌های افغانی هفت‌گانه دولت در تبعید مجاهدین تعلق داشتند، در پشاور پاکستان فتوایی صادر کردند که بعدها در دوره حکومت کوتاه مدت برهان‌الدین ربانی و دوره طالبان مو به مو به اجرا گذاشته شد. براساس این فتوا، تمام بدن زن باید پوشیده باشد. چادری یا برقع باید از موادی درست شود که نرم نباشد و موقع راه رفتن صدا نکند، زنان باید از مصرف عطر اجتناب کنند، زیور آلات آنان برای آنها در انظار عموم ممنوع اعلام شد. حکمتیار در دوران نخست وزیری خود سینماها را تعطیل کرد. زنان را مجبور ساخت برقع بپوشند، پخش موسیقی را ممنوع ساخت و همه کسانی را که تصور می‌شد با کمونیست ها همکاری کرده اند از دستگاه دولت اخراج کرد. (فاطمه صادقی \_ 10)

نگاهی اجمالی به تاریخ افغانستان نشان می‌دهد که روند پیشرفت برای زنان بسیار کند و ناپایدار بوده، درحالی‌که عقب‌گردها همواره سریع و مستمر بوده است. دوران مجاهدین و طالبان، نمونه بارزی از این عقب‌گردهاست که زنان افغانستان تا کنون تاوان آن را پرداخته و نسل‌های بعدی نیز از آن متأثر خواهد بود. مجاهدین که با کمک امریکا و متحدانش علیه اشغال شوروی و رژیم مورد حمایتش «جهاد» کرد، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایشان «حفظ عفت زنان» بود که در اولین فرمان‌هایشان پس از گرفتن قدرت نمود یافته است. در یکی از این فرمان‌ها در سال ۱۹۹۳، به زنان دستور داده شده تا لباس‌های مجذوب‌کننده، رنگی و بدن‌نما نپوشند، عطر استفاده نکنند، با غرور راه نروند و بلند نخندند! صدور چنین فرمان‌هایی آن هم در اوایل حکومتی که پس از سال‌ها جنگ، میلیون‌ها کشته و مهاجر سر کار آمده، به تنهایی نشان‌گر میزان اهمیت موضوع برای سیاست‌مداران در افغانستان است.

(<https://www.etilaatroz.com/86952>)

با سقوط نظام کمونیستی به رهبری دکتر نجیب الله، در سال ۱۹۹۶، گروه‌های مجاهدین وارد کابل شدند. دولت مجاهدین مصادق عینی دولت مستعجل بود زیرا پس از سه ماه با یکدیگر درگیر جنگ‌های داخلی شدند و فرصت نیافتند که سیاست مشخصی را در قبال زنان اعلام و اعمال کنند. جنگ‌های پیاپی و کوچه به کوچه نه تنها زنان را خانه‌نشین کرد بلکه تقریباً همه اقشار تحصیل‌کرده افغانستان به نحوی از کشور متواری شدند. ایران، پاکستان و شماری از کشورهای غربی مقصد این گروه بودند. هرچند دولت مجاهدین سیاست روشنی را در قبال زنان اعلام و اعمال نکرد اما طالبان که برآمده از میان گروه‌های تندروتر مجاهدین بودند، چنان سیاست سخت‌گیرانه‌ای را در قبال زنان در پیش گرفتند که بیرون آمدن زنان از خانه به تنهایی، حتی برای اموری ضروری مانند مراجعه به پزشک، دشوار بود و باید یکی از محارم شرعی زن با او می‌بود. قصه‌ی معروفی از دوران طالبان در دهه‌ی نود میلادی بر سر زبان‌ها است: یک راننده‌ی تاکسی که می‌خواست همسر بیماراش را به پزشک ببرد، از همسایه‌اش می‌خواهد که با آنها در تاکسی بنشیند تا طالبان نپرسند که محرم این زن کجاست، چون این راه آسان‌تر از آن بوده که راننده ثابت کند که این زن، همسر خود اوست. (

(<https://aasoo.org/fa/notes/3634>)

شفیقه حبیبی، یکی از نخستین گویندگان رادیو\_تلویزیون می‌گوید: «در دوره مجاهدین فضا محدود شد و دیگر زنی با موهای برهنه در جاده‌های کابل قدم نزد.»

تاجور کاکر که خود را خواهر مبارز برای مجاهدین می‌خواند. می‌گوید: با حضور شوروی مشکل داشتم و در زمان حکومت کمونیست‌ها در زندان شکنجه شدم، در مواجهه با آنان با مجاهدین همکاری کردم، امر کشف مجاهدین در صفحات شمال بودم ولی مجاهدین هیچ برنامه‌ای برای رشد زنان نداشتند.

اما او از برادران مجاهدش دل خوشی ندارد و می‌گوید: مردان مجاهد فقط جنگ را بردند ولی در جهاد اکبر ناکام ماندند، جهاد را فروختند و در زمانی که به قدرت رسیدند تلاش کردند نوعیت پوشش لباس زن را انتخاب کنند ولی من هرگز حجاب سیاه مدل عربی را که مجاهدین سفارش دادند، نپوشیدم. (<https://nimrokhmedia.com/2021/03/08/>)

بصورت کل درین دوره آنقدر هرج و مرج بود که مهم‌ترین دغدغه تمام افراد اعم زن و مرد این بود که چگونه زنده بمانند تا ایجاد تشکل‌های مدنی و فعالیت در آن؛ صرف نهادی بنام جمعیت انقلابی زنان افغانستان راوا، فعالیت‌های در حمایت از حقوق از دست رفته زنان در خارج از کشور و بصورت بسیار محدود در داخل کشور داشتند.

دوره طالبان

وضعیت زنان در دوره طالبان طنزی بسیار تلخ است که تاریخ سیاسی افغانستان آن را به حافظه سپرده است. به ویژه بیست سال بعد از سقوط طالبان اکنون با حاکمیت مجدد شان، حتی مشارکت انسانی زنان زیر سوال رفته است، چه رسد به حضور سیاسی و اجتماعی آنها، طالبان تفسیری بسیار افراطی از اسلام دارند که با به قدرت رسیدن شان، به تدریج زنان از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم می‌شوند، و درهای مکاتب به روی دختران بسته و کارمندان و معلمان زن از کارشان برکنار و زنان از طبیعی ترین و ابتدایی ترین حقوق انسانی خویش محروم می‌گردند. یازدهم سپتامبر، نقطه عطفی برای شکل‌گیری دولت جدید و امید تازه برای زنان افغانستان به شمار می‌آید. بعد از سقوط طالبان، نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا، طرحی نو برای شکل‌گیری دولت این کشور در نظر گرفت. در این کنفرانس، چند موضوع مورد توجه واقع شد که برخی از آنها بدین قرار اند.

حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و حقوق زنان  
در این کنفرانس از جمله ۲۴ نماینده رسمی، دو زن ( آمنه افضلی و خانم سیما سمر) شرکت داشتند، و از میان ۳۷ نفر اعضای غیر رسمی، سه زن ( رنا یوسف منصور، فاطمه گیلانی و صدیقه بلخی) که جمعا بالغ بر پنج نفر می‌گردیدند در موافقت نامه بن راجع به نقش زنان در آینده کشور، تذکراتی به وضوح مطرح شده است.

۱ \_ حکومت افغانستان یک دولت زن پذیر کثیرالاقوام و مثل همه مردم باشد. ۲ \_ در مقدمه موافقت‌نامه بن که حاوی اهداف کنفرانس است، و همچنین در ماده سه که ترکیب اداره موقت را بیان نموده، انتخاب اشخاص بر اساس لیاقت و شایسته سالاری فردی صورت گیرد.

اهمیت سهم‌گیری زنان در حکومت ضروری پنداشته شده و بر همین اساس، دو نفر زن شامل کابینه شدند (دکتر سیما سمر به عنوان وزیر امور زنان و دکتر سهیلا صدیق به عنوان وزیر صحت عامه حکومت موقت تعیین شدند). ۳ \_ در بخش چهارم مربوط به کمیسیون مستقل مخصوص تشکیل لویه جرگه اضطراری و در ماده دو بند (ج) نیز راجع به تعیین نمایندگان تاکید شده که تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان در لویه جرگه شرکت کنند. براساس موافقت نامه بن، حکومت انتقالی پس از ۱۸ ماه باید لویه جرگه را به منظور تصویب قانون اساسی دایر کند، و بعد از تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی برگزار شود و دوره انتقالی پایان، و حکومت انتخابی جایگزین شود.

در سال ۱۳۸۱ ه ش حکومت انتقالی کمیونی را برای تهیه پیش نویس قانون اساسی تشکیل داد که از بین نه نفر عضو، دو نفر زن ( آصف کار و مکره اکرمی) عضویت داشتند. در سال ۱۳۸۲ ه ش حکومت انتقالی، کمیسیون ۳۵ نفره‌ای برای تدقیق پیش نویس قانون اساسی برپا ساخته که هفت نفر زن در آن عضویت داشتند؛ همچنین به منظور تدقیق بیشتر حقوق زنان، یک کمیته اختصاصی زیر نظر محبوه حقوقل منشل از بیست نفر زن موظف شد تا پیش نویس قانون اساسی را مورد ارزیابی قرار دهد. این کمیته، یک ماده را در پیش نویس، اضافه و پیشنهاد کرد. " تضمین حقوق مساوی مردان و زنان و امحای کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان" ؛ هم چنان کمیته توصیه کرد که بهتر است به جای یک زن، دو زن در ولسی جرگه و شوراهای ولایتی هر ولایت عضویت داشته باشد.

بحث مشارکت زنان در عرصه سیاست پسا طالبان بطور جدی مطرح شد. پیش از آن، مشارکت سیاسی زنان به استثنای دوره طالبان، به صورت توده‌ای، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی ها بود؛ اما مشارکت در سطح نخبگان، اعلام نامزدی، عضویت زنان در پارلمان، نهاد های سیاسی و تصمیم گیری های کلان، مورد توجه نبود.

در دوره جدید با وضع یک سلسله قوانین و مقررات، اقداماتی جهت بهبود مشارکت زنان صورت گرفت. حضور سیاسی حداقلی زنان در جامعه سنتی و مرد سالار افغانستان همواره با مشکل روبرو بوده، و ساختار سیاسی و اجتماعی اجازه نداده که مشارکت سیاسی زنان به طور طبیعی در بستر فرهنگ سیاسی این کشور آزموده شود؛ اگرچه فرایندی که از کنفرانس بن آغاز شد، زمینه مناسبی را برای حضور زنان در مراحل نظری و عملی فراهم کرد (سپرت، 2020).

## تشکل های زنان

پس از سقوط طالبان حکومت طالبان ، براساس توافقات کنفرانس بن در سال ۱۳۸۰ ه ش وزارت امور زنان در چوکات اداره موقت افغانستان تاسیس شد، شبکه زنان افغانستان، اتحادیه سراسری زنان افغانستان، کمپین پنجاه درصد، زنان جوان برای تغییر، جمعیت انقلابی زنان افغانستان راوا، موسسه شهداء و ... در جهت حقوق زنان به فعالیت پرداختند. که در ادامه به برخی از فعالیت های سازمان های زنان افغانستان در جهت بهبود آن اشاره می شود (نظیری، ۱۳۹۱).

سازمان خدیجه الکبری: به منظور کاهش مشکلات زنان در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط مریم درانی تاسیس شد. وی از اعضای شورای پیشین ولایت قندهار بود که دوره فشرده و کوتاه مدت تجارت را در پوهنتون آمریکایی افغانستان گذرانده و در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه پیام نور ایران ادامه تحصیل داده است. در سال ۲۰۱۲، مجله تایم او را به عنوان یکی از صد چهره تاثیر گذار دنیا انتخاب کرد، و همان سال جایزه بین المللی زنان شجاع را دریافت کرد. سازمان خدیجه الکبری برای توانمند سازی زنان ایجاد شده و ۲۴۰ عضو داشت. به خانوارها قرض های کوتاه مدت و بدون بهره برای ساختن سرپناه یا راه اندازی کار، پرداخت می کرد.

در سال ۲۰۱۱، سازمان مزبور فعالیت رادیویی بنام " میرمن " آغاز کرد که به موضوعات زنان و مشکلات آنان مثل ازدواج های اجباری و رسوماتی می پرداخت که مروج خشونت و تزیینات حقوق زنان بود. دو سال بعد یعنی سال ۲۰۱۳، نخستین اینترنت کیفی رایگان را برای دختران در افغانستان ایجاد کرد. در این شکل از اینترنت، دختران می توانستند بدون ممانعت والدین و مشکلات اقتصادی همه روزه به مطالعه سایت های علمی و خبری و حل سوالات و مشکلات دروس مکتب و دانشگاه از طریق فیلم های آموزشی بپردازند. این سازمان همچنان شبکه ای سازمان یافته از زنان را در قندهار به نام شبکه دادخواهی زنان قندهار به راه انداخت تا به دادخواهی و دفاع از حقوق زنان بپردازد.

در سال ۲۰۱۴، نخستین انستیتوت تعلیمات عصری را که توسط زنان رهبری می شد را بنام «خانه تعلیم» ایجاد کرد. این مرکز، مهارت های همچون کامپیوتر، زبان انگلیسی، مدیریت، حسابداری رهبری و خبرنگاری را در بخش های تعلیمات عصری به دختران آموزش می داد. این سازمان همچنان در سال ۲۰۱۵، نخستین کتابخانه مخصوص زنان را در حوزه جنوب افغانستان در ولایت قندهار ایجاد کرد. که دارای بیش از ۴۵۰۰ جلد کتاب در عرصه های مختلف است. این کتابخانه زمینه مطالعه کتاب را در کتابخانه یا به صورت امانت گرفتن و مطالعه آن در بیرون از کتابخانه مهیا می ساخت (دولت شاهی، ۲۰۱۲).

مریم درانی بنیانگذار سازمان خدیجه الکبری، چندین جایزه جهانی حقوق بشر و صلح را دریافت کرده است. وی در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۱۵، جایزه بین المللی صلح سیمرغ را از بنیاد آرمان شهر بدست آورد.

شبکه زمان افغان: یکی از سازمان های فعال، شبکه زنان افغان بوده است. مشارکت در کمپین روسری سبزه ها برای تشویق زنان به مشارکت سیاسی در انتخابات افغانستان، از کارهای این گروه محسوب می شود؛ همچنین این شبکه حدود هزار نفر از زنان فعال اجتماعی را در روند مذاکرات تحریک طالبان با دولت افغانستان جهت مشارکت در نشست استانبول دعوت نمود تا چالش های روند صلح بین طرفین را حل و فصل نمایند. آنها خواهان حضور معنادار در گفتگوهای صلح بودند. نگرانی شبکه زنان افغان این بود که مبادا در گفتگوهای صلح میان نمایندگان دولت آمریکا و طالبان، حقوق و دستاورد های آنان نادیده گرفته شود. آنان متقاضی جایگاه و نقش اساسی برای زنان افغان بودند تا بتوانند در این پروسه از حقوق اساسی و دستاوردهای گذشته شان دفاع نمایند (ایندپندنت فارسی، ۲۰۲۱).

جمعیت انقلابی زنان افغانستان راوا: یکی از سازمان های سابقه دار زنان افغان، جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا) است. به نوشته وبسایت راوا، این جمعیت از سال ۱۳۵۶ ه ش برای آزادی، دموکراسی و احقاق حقوق زنان در افغانستان بنیادگرا تلاش می کند. این سازمان، خط مشی خود را مبارزه برای حقوق زنان و دموکراسی سکولار اعلام کرده است. جمعیت انقلابی در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط یک فعال دانشجویی بنام مینا تاسیس گردید. وی بخاطر فعالیت های سیاسی اش در سال ۱۹۸۷ در پاکستان ترور شد. این سازمان در آغاز هم با رژیم کمونیستی و هم با مجاهدین مخالف بود، و بعد ها نیز با طالبان مخالفت کرد. از آنجا که راوا با هر نوع بنیادگرایی مذهبی مخالف است. همواره در افغانستان و پاکستان. بحث های زیادی برانگیخته است. نشریه ای نیز بنام «پیام زن» انتشار می دهد که در آن به صورت قاطع و با لحن صریح، رهبران مجاهدین و دولت حامدکرزی مطلب می نوشت، و گزارش های از تخطی های حقوق بشر در افغانستان انتشار می داد. همچنان با تعدادی از روشنفکران افغان که راوا آنان را سازشکار و خادم بنیادگرایی می نامید، درگیری لفظی داشت و مقالات و نظرات آنان را به نقد می کشید.



فعالیت های نخستین راوا\_ بیشتر فعالیت های راوا در دهه ۹۰ میلادی، برگزاری تظاهرات ضد اشغال و ضد بنیادگرایی، سمینار و همایش مطبوعاتی و دیگر فعالیت های مثل جمع آوری کمک مالی در پاکستان بود؛ به علاوه تشکیل مدارس مخفی برای دختران در افغانستان و در کمپ های مهاجرین در پاکستان، تشکیل تیم های سلامتی برای کمک به زنان و کودکان از جمله فعالیت های این سازمان بود. با توجه به این که اکثر فعالیت های راوا در افغانستان ممنوع و اعضا و رهبران آن همیشه تهدید به مرگ می شدند، راوا در مناطق تحت کنترل طالبان یا جبهه متحد افغانستان، حضور علنی و بسیار کمی داشت. اعضای راوا برای اولین بار در پشاور موفق شدند تظاهراتی علیه گروه های جهادی و طالبان برگزار کنند.

پس از دور اول حکومت طالبان و ورود نیروهای ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا به افغانستان، راوا نیروهای ائتلاف شمال را متهم به بنیاد گرایی، تروریسم و رفتار های ناقض حقوق بشری کرد، و مدارکی را که نشانگر جنایات جنگی گروه های مربوط به این ائتلاف در اولین سال های بعد از سقوط دولت داکتر نجیب الله بود، به مراجع بین المللی تسلیم نمود، و خواهان محاکمه برخی رهبران این گروه ها از جمله عبدالرسول سیاف، برهان الدین ربانی، یونس قانونی، گلبدین حکمتیار، عبدالرشید دوستم، کریم خلیلی، محمد محقق و محمد قسیم فهیم شد (سمرقندی، 2013).

کمپین پنجاه درصد: از گروه های فعال حقوق زنان در افغانستان، تشکیل کمپین پنجاه درصد است که برای بالا بردن مشارکت سیاسی زنان افغان و پیگیری مطالبات آنها از سیاستمداران افغانستان و مجامع جهانی تلاش می کرد. بیانیه این کمپین در آستانه کنفرانس دوم بن، از شرکت کنندگان در کنفرانس و دولت افغانستان می خواست در مذاکره با طالبان بر سر حقوق زنان معامله ای نکنند و روند مذاکرات شفاف باشد. فعالان این کارزار تبلیغاتی در شهرهای کابل، هرات و مزارشریف، فعالیت دارند. نام این کمپین اشاره به زنان افغانستان است که به گفته این فعالان، نیمی از جامعه یا نیمی از رأی دهندگان را تشکیل می دهند، و نامزد های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برای به دست آوردن آنها باید به خواسته های زنان توجه کنند.

موسسه زنان جوان برای تغییر: یک موسسه غیر انتفاعی در کابل بود که از ده ها عضو داوطلب زن و مرد تشکیل شده بود که به ایده آل های توانمند سازی زنان و بهبود زندگی آنها از طریق مشارکت اقتصادی و اجتماعی، توانمندی سیاسی، آگاهی و دادخواهی برای اتباع افغانستان عاری از تبعیض مبارزه می کنند. این موسسه در میان جوانان این کشور کاملاً شناخته شده است و در جهت مبارزه علیه خشونت خانوادگی، بالا بردن آگاهی نسبت به حقوق زنان و افزایش مشارکت زنان و دختران را در افغانستان پیگیری می کند (سیرت، 1391). این جنبش انسانی و فمینیستی در حال گسترش، اهدافی دراز مدت برای زنان افغانستان دارد، و برای بسیج آنها در مبارزه ضد نابرابری جنسیتی به وجود آمده است.

کارها و فعالیت های این موسسه از جانب هیچ نهادی داخلی یا خارجی پشتیبانی نمی شود، و تنها از طریق جمع آوری اعانه و حق عضویت تامین می گردد. آخرین فعالیت این موسسه، راه اندازی راهپیمایی در کابل برای پایان دادن به خشونت علیه زنان در افغانستان بود. در بیانیه ای که در پایان این راهپیمایی منتشر شد، این موسسه خواستار اقدام همه گروه ها، از جمله رئیس جمهور حامد کرزی و پارلمان افغانستان برای پایان دادن به خشونت علیه زنان شد، تا نگذارند بیش ازین قربانی شوند.

در کنار تشکیل سازمان ها و تشکل های که زنان افغان در راستای حقوق زنان تاسیس نمودند، فعالیت های دیدار سالانه همبستگی، از جایگاهی ویژه برخوردار است این دیدار سالانه با هدف شبکه سازی، به وجود آوردن ساختاری حمایتی برای زنان، گفتگو و برنامه ریزی برای کار روی موضوعات مربوط به زنان افغان برگزار می شود، که نخستین دیدار آن در ۲۵ مه ۲۰۱۱ در افغانستان برگزار شد، و همزمان، گروهی از زنان در واشنگتن دی سی نیز به صورت آنلاین در این گردهمایی شرکت و گفتگو نمودند (گزارش خانه فرهنگ، 1391).

وزارت امور زنان: دولت به منظور توسعه ای حقوق زنان در افغانستان و ایجاد زمینه فعالیت های عملی برای حمایت و بهبود حقوق زنان همزمان با آغاز کار اداره موقت در سال 1380 وزارت امور زنان را تاسیس نمود که تمام کارمندان و ریاست آن را زنان بر عهده دارند (نور محمدی، 1390، 349). این وزارتخانه در راستای تحقق اهداف بنیادین خود به حمایت از زنان در قالب های مختلف از جمله تحقیق، برگزاری سمینارها و همایش ها و... می پردازد (پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، 1388، 31).

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک نهاد ملی است که بر اساس حکم ماده 58 قانون اساسی و بر اساس موافقتنامه بن 2 در تاریخ 1381/3/16 مطابق با 6 جون 2002 میلادی با هدف ارتقای حقوق بشر، حمایت و نظارت بر آن به ریاست یکی از فعالان حقوق بشر، دکتر سیما سمر در افغانستان ایجاد گردیده است و مطابق با قانون تشکیلات و صلاحیت های خود، فعالیت می نماید (گزارش سالانه کمیسیون مستقل حقوق بشر،

20، 2006). این کمیسیون تاکنون اقدامات بسیاری را در جهت رفع تبعیض و احقاق حقوق زنان در افغانستان انجام داده است.

یونیفیم (UNIFEM): صندوق توسعه زنان ملل متحد که با نام (صندوق خاص محو خشونت علیه زنان و دختران) در ماه آگست 2007 مطابق ماه مرداد 1386 در افغانستان تأسیس گردید. هدف اساسی این صندوق ارائه خدمات مستقیم به زنان و دختران مواجه با خطر و قربانیان خشونت می‌باشد. همچنین هدف دیگر صندوق تقویت و ارتقای ظرفیت مؤسسات دولتی برای جلوگیری از خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت و حراست از زنان مواجه با خطر و قربانیان خشونت در سطح ملی می‌باشد (مولوردی، 1385، 351). در مجموع با تلاش‌های صورت گرفته از سوی این نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی وضعیت زنان افغان تا حدودی بهبود یافته و با توجه به بهبود آموزش و توان-مندسازی زنان در حوزه‌های گوناگون زنان افغان توانسته‌اند تا حدودی اعتماد به نفس خود را باز یابند.

حزب همبستگی افغانستان: یک تشکل سیاسی است که در ۲۹ حمل ۱۳۸۳ به کمک جمعی از روشنفکران مرفقی و دموکراسی‌خواه اعلان موجودیت نمود. و با این هدف که: افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه؛ وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سیکولاریزم؛ تسوای حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور؛ مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی؛ قطع دست استعمارگران از سرنوشت مردم ما؛ دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مرفقی ملل دربند جهان؛ فعالیت‌های خویش را هم در داخل و هم در خارج از کشور آغاز کرد. حزب همبستگی برای آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی می‌رزمد و افغانستان را کشور اشغال‌شده‌ای می‌داند که یک دولت پوشالی در آن حاکم است. حزب، از محدود نیروهای سیاسی کشور است که به ملیت و سمت خاصی تعلق نداشته، بین تمامی اقشار و ملیت‌های جامعه نفوذ و فعالیت دارد. حزب همبستگی بیشتر برای راه‌اندازی راهپیمایی‌های اعتراضی در گوشه و کنار افغانستان و موضعگیری‌های غیر سازشکارانه و صریح شناخته می‌شود. سیاست‌های قاطع و به دور از معامله‌گری حزب باعث شده که بارها اعضا و هوادارانش مورد پیگرد و مزاحمت نیروهای امنیتی قرار گرفته، حتا در جوزای ۱۳۹۱ فعالیت آن از سوی دولت افغانستان به حالت تعلیق درآمد، که در اثر اعتراضات گسترده هوادارانش در کشور و نهادهای جهانی مدافع آزادی، دولت و ادار به عقب‌نشینی گردید. ([hambastagi.org](http://hambastagi.org)).

حزب موج تحول: حزب موج تحول افغانستان در سال 1393 مش جواز فعالیت گرفته و رسماً به کار خودش به عنوان یک حزب آغاز به‌کار نمود. هر چند در افغانستان دهها حزب کوچک و بزرگ دارای جواز فعالیت بود، اما تشکیل حزب موج تحول افغانستان یک تفاوت بارز با دیگر احزاب کشور دارد و آن اینکه، رهبر این حزب یک بانو است. حزب موج تحول را بانو فوزیه کوفی، یکتن از سیاستمداران مطرح کشور بنیانگذاری کرده است. این نخستین حزب سیاسی به رهبری یک زن در افغانستان است. این خبر از آنجایی بیشتر اهمیت پیدا میکند که در افغانستان هنوز بعضی از وظایف سیاسی و فرهنگی با جنسیت تعیین میشود.

بنیان‌گذار این حزب، خانم کوفی در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی در ولایت بدخشان متولد شده است. او کارشناسی ارشد نخستش را در بخش مدیریت تجارت از دانشگاه پرستن اسلام‌آباد پاکستان به دست آورده است و به زبان‌های دری، پشتو، انگلیسی و اردو تسلط دارد. او در حال حاضر دو ماستری در بخش‌های مدیریت تجارت و روابط بین‌الملل دارد. خانم کوفی مدرک کارشناسی‌اش را از دانشگاه کابل در بخش حقوق و علوم سیاسی به‌دست آورده است.

فوزیه کوفی در طول ده سال گذشته از زنان شناخته شده در عرصه‌های سیاسی افغانستان است که معاونت مجلس نمایندگان را نیز در کارنامه خود دارد.

فوزیه کوفی کتابی زیر عنوان «نامه‌هایی به دخترانم» در مورد زندگی دوره‌ی کودکی تا دوران روی آوردن به دنیای سیاست نوشته که این کتاب در ماه فیروزی سال ۲۰۱۱ میلادی به زبان‌های دنمارکی و انگلیسی در شهر پاریس فرانسه به چاپ رسید.

در این کتاب، خانم فوزیه کوفی تلاش کرده زندگی دخترتری را که سعی دارد به دانش و سیاست در یک جامعه مردسالار و خانواده مذهبی روی بیاورد، به تصویر بکشد. او داستان زندگی خود را از ایام جوانی تا رسیدن به شهرت سیاسی، به تحریر گرفته است.

او یکی از چهره‌های فعال حقوق زنان افغانستان به‌شمار می‌رود و نقش فعالی در تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان بازی کرده است.

خانم کوفی در سال ۱۳۹۵ خورشیدی به‌عنوان رییس کمیته‌ی حقوق بشر اتحادیه جهانی بین‌پارلمانی انتخاب شد. او در انتخاباتی که میان اعضای این کمیته در شهر ژنو سوئیس صورت گرفت، توانست با گرفتن ۳ رأی بیشتر از رقیب آلمانی‌اش، به مقام ریاست این کمیته دست یابد. ([http://mocaparty.org/DA/posts/dari\\_1183060257](http://mocaparty.org/DA/posts/dari_1183060257))

## اهداف سیاسی حزب موج تحول:

بنیاد دولت مورد نظر حزب، مبتنی بر تأمین منافع ملی، وحدت سرزمینی و شکل‌دهی ملّتی دارای ارزش‌های مشترک مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و شرایط زیست‌محیطی می‌باشد. ساختار دولتی حزب موج تحول در افغانستان، جمهوری پارلمانی بوده، حقوق و آزادی‌های شهروندان بر مبنای قانون و حقوق شهروندی تضمین می‌گردد و در این راستا به تحقق موارد ذیل پرداخته می‌شود.

- تلاش برای نهادینه کردن حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری که در آن هر انسان دارای یک رای باشد.
- تلاش برای مشارکت گسترده مردم به گونه نظری و عملی در ساختار سیاسی کشور.
- تسلط مردم بر نهادهای چهارگانه، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی.
- سهم‌گیری در قدرت سیاسی، چارچوب‌های انتخاباتی، دموکراتیک و قانون‌مدار.
- ترغیب، تشویق و تسهیل استقرار قدرت اجتماعی زنان، در سطوح مدیریتی خورد و کلان جامعه، حمایت جدی از غیرمرکزی شدن قدرت و سهم برجسته زنان در لایه‌های مختلف قدرت تا سطوح محلی.
- حمایت از سهمیه بندی موجود برای زنان در نهادهای سیاسی و گسترش این موضوع در بخش‌های حضور کم‌رنگ زنان.
- تأمین حق دسترسی شهروندان به اطلاعات، در ساختار سیاسی کشور.
- مبارزه علیه هر گونه انحصارگرایی و زورگویی در کسب قدرت سیاسی.
- در ساختار سیاسی افغانستان، خشونت علیه زنان و اعمال تبعیض جرم پنداشته شده و نهادهای دولت موج تحول موظف خواهند بود تا زمینه‌های برابر حقوق مادی و معنوی زنان را فراهم آورده و شرایط سالم مشارکت سیاسی زنان را در نهادهای قدرت و تصمیم‌گیری، تضمین کنند.
- حزب ما؛ به نقش ویژه زنان در پیش‌برد مبارزه، برای تغییر بنیادین جامعه، باور دارد و تلاش می‌کند که در سیر فعالیت‌های خود به این نقش و کارکرد توجه ویژه داشته باشد.
- تلاش برای برچیدن پدیده شوم تبعیض جنسیتی از جامعه.
- مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و تأمین عدالت سیاسی برای زنان.
- تأمین امنیت زنان در ساختار حکومت. ([https://mocapparty.org/DA/posts/dari\\_1897832648](https://mocapparty.org/DA/posts/dari_1897832648)) حضور زنان در نهاد های امنیتی

هرچند که دولت افغانستان و متحدان آن در ناتو تحت رهبری امریکا تلاش کردند تا پیوستن به نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان را برای زنان یک پیشنهاد جذاب جلوه دهند اما این تلاش‌ها همواره از رسیدن به هدف تعیین‌شده بازمانده است. در سال 2010 دولت افغانستان و متحدان آن در ناتو تصمیم گرفتند که تا سال 2020 سهم زنان را در نیروهای امنیتی تا 10 درصد برسانند. آن‌ها با پی‌بردن به ناکامی‌های خود، به‌جای آن‌که به علل اصلی این شکست بپردازند و از طریق مشکل را برطرف کنند، فقط هدف جدیدی را انتخاب و ضرب‌الاجل آن را دورتر یعنی 2025 تعیین کرده‌اند. براساس طرح تجدیدنظرشده، انتظار می‌رفت که تا سال 2025، پنج هزار زن به ارتش ملی بپیوندند و 10 هزار زن در صفوف پولیس ملی افغانستان خدمت کنند.

براساس گزارشات اخیر بازرسی ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان - در مورد کمک مالی ایالات متحده برای بازسازی امنیت افغانستان - حدود 4,500 زن در نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان موجود بود. زنان فقط 1.4 درصد پرسونل این نیروها را تشکیل می‌دهد. د. آمار این گزارش مربوط به قبل از ماه اگوست 2017 است. گزارش آورده است که زنان در صفوف نیروهای ویژه امنیتی افغانستان که 120 نفر بوده‌اند، از سه ماه گذشته (قبل از اگوست 2017) با از دست‌دادن 20 نفر بیشترین کاهش را در قیاس با رقم مجموعی آن‌ها در این بخش داشته‌اند. این نیروها که جایگزین واحد نیروهای زن ائتلاف‌اند، نقش مهمی را در تلاش‌های ضدتروریسم، به‌ویژه در عملیات‌هایی که زنان در آن دخیل‌اند، بازی می‌کنند.

براساس آمار کمیسیون حقوق بشر، شمار زنان در ارتش به بیش از 1 درصد می‌رسید. براساس برنامه وزارت دفاع این تعداد تا سال 2017 باید به 10 درصد افزایش می‌یافت، اما این طرح اجرا نشده است. براساس گفته‌های مسئولان وزارت دفاع، سربازان در چند ولایت محدود حضور دارد، از جمله کابل، بلخ، هرات، کندهار، پکتیا، ننگرهار، و بامیان. این سربازان در بخش‌های اداری و مالی، برنامه‌ریزی، مخابره و تدارکات فعالیت می‌کنند. لذا عدم حضور چشمگیر زنان در مسایل نظامی نیز دلایلی داشته است که در گزارش های کمیسیون حقوق بشر همیشه انعکاس می‌یافت. کمیسیون حقوق بشر دریافته بود، زنانی که در وزارت داخله، دفاع و امنیت ملی کار می‌کنند، با انواع تبعیض مواجه‌اند. براساس این نظرسنجی از مجموع دو هزار و 272 تن، 4.48 درصدشان گفته‌اند که از امکانات، حقوق و امتیازات مشابه مانند ترفیع رتبه، استفاده از رخصتی، فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای، مزد و تجهیزات اداری مانند میز کار، کمپیوتر برخوردار نیستند. کمیسیون در ادامه گفته است که مردان در این زمینه در وضع بهتری قرار دارند و این

دوگانگی، تبعیض آشکار علیه زنان است: «مسئولان و مدیران ارشد نهادهای دفاعی و امنیتی در زمینه رفع نابرابری‌ها و تبعیض علیه زنان توجه جدی نکرده‌اند.» (etilaatroz.com.60280)

گزارش بی بی سی: ریاست جمهوری افغانستان اعلام کرده که ۳۳ درصد از معلمان سراسر این کشور را زنان تشکیل می‌دهند و تعداد زنان قاضی در این کشور به ۲۴۰ نفر می‌رسد.

۳.۵ میلیون دختر در افغانستان مشغول آموزش در دوره مدرسه/مکتب هستند.

وزارت معارف (آموزش و پرورش) افغانستان اعلام کرده که بر اساس آمار این وزارت، در افغانستان حدود ۸ و نیم میلیون دانش‌آموز، ۱۷۰ هزار معلم و حدود ۱۶ هزار مکتب وجود دارد.

شمار کارمندان وزارت معارف نیز بیش از ۹۲ هزار نفر است

در شهر کابل پایتخت، ۷۸ درصد معلم‌ها را زنان تشکیل می‌دهد.

در این گزارش آمده که ۱۳۰۰ زن در صفوف نیروهای پلیس این کشور خدمت می‌کنند و دو هزار نفر نیز عضو نیروهای امنیتی افغانستان هستند.

در سراسر افغانستان ۳۷۰۰ پزشک زن وجود دارد و ۸۰۰ فعالیت اقتصادی خصوصی نیز توسط زنان رهبری می‌شود.

۲۴۰ قاضی زن نیز در سراسر افغانستان در مسند قضا حضور دارند.

بر اساس آماري که ریاست جمهوری افغانستان ارائه کرده ۲۸ درصد از کارمندان وزارت معارف افغانستان را نیز زنان تشکیل می‌دهند.

۴ دختر جوان افغان نیز رهبر ارکستر ملی این کشور است و صدها خانم ورزشکار نیز در میادین بین المللی به نمایندگی از افغانستان حضور دارند.

در سطوح محلی نیز زنان ۳۵ درصد از واحدهای توسعه‌ای این کشور را رهبری می‌کند که در سطح ولسوالی این آمار به ۳۳ درصد کاهش می‌یابد.

در سطح ولایت ۳۲ ریاست امور زنان به دست زنان است.

در سطح ملی ۲۸ درصد از کرسی نمایندگان افغانستان در اختیار زنان است و ۱۷ کرسی مجلس سنا نیز به زنان اختصاص یافته است.

از مجموع ۲۴۹ نماینده مجلس این کشور نیز ۶۸ نفر آنان زنان هستند.

در ولایت نیمروز، در جنوب غرب افغانستان تمام نمایندگان مجلس را زنان به خود اختصاص داده و هیچ مردی به مجلس راه نیافته است.

دولت افغانستان اعلام کرده که قرار است تا سال ۲۰۱۸ میلادی ۳۰ درصد از پست‌های دولتی را به زنان بدهد.

۳۶ درصد از زنان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ افغانستان شرکت کرده‌اند.

۲۲ درصد از کارمندان خدمات عمومی افغانستان نیز زنان هستند.

[bbc.com/persian/afghanistan/.160623/06/2016](http://bbc.com/persian/afghanistan/.160623/06/2016)

#### مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی جدید جمهوری

اصولا بحث از مشارکت سیاسی زنان در افغانستان و یا هر کشور دیگری پیش از شکل‌گیری نظام سیاسی دموکراتیک و یا لاقابل شبه دموکراتیک (که از نهادها و نمادهای دموکراسی ولو به صورت صوری برخوردار باشد) محلی از اعراب ندارد. به واسطه‌ی سرشت اقتدارگرایانه‌ی حکومت‌های پیشین حاکم بر افغانستان مشارکت سیاسی چه برای زنان و چه برای مردان چندان مطرح نبوده است. هرچند دوران پیش از روی کار آمدن طالبان را نمی‌توان با دوران طالبان در این خصوص مقایسه کرد و حکومت طالبان را باید کابوسی برای نه تنها زنان بلکه تمامی مردم افغانستان قلمداد کرد اما با توجه به فقدان نظام دموکراتیک مشارکت سیاسی به‌ویژه در سطوح بالا اصولا مطرح نبوده است. آنچه که به نام مشق و تجربه‌ی دموکراسی نامیده می‌شود در تاریخ افغانستان مفقود است. در ساخت اقتدارگرایانه‌ی قدرت که نگاهی یکسویه و از بالا به پایین در روابط قدرت حاکم است، مردم (فارغ از جنسیت) در فرایند سیاست‌گذاری و حکمرانی نقشی ندارند و تنها می‌باید تابع تصمیمات نخبگان سیاسی حاکم باشند. با این حال این شرایط پس از سقوط دوره اول نظام طالبان و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید تغییر کرد و افغانستان در مسیر دموکراتیزاسیون گام نهاد. یکی از اولین گام‌ها در این راه بی‌شک تدوین قانون اساسی بود. قانون اساسی نوین افغانستان را می‌باید قانونی مدرن و کارآمد قلمداد کرد که چنانچه به نحو احسن اجرا می‌شود می‌توانست بسیاری از مشکلات زنان از جمله بحث مشارکت سیاسی آنان را نه تنها در سطح رای‌دهی بلکه در سطوح و اشکال دیگر مشارکت سیاسی نیز تا حدود زیادی حل کند. بحث حقوق زنان در تمامی حوزه‌ها از جمله مشارکت سیاسی همانگونه که بیان گردید از اجلاس بن مورد توجه قرار گرفت و پس از آن در لویه جرگه

اضطراری و لویه جرگه‌ی قانون اساسی نیز این بحث مطرح گردید و خود زنان نیز در این نشست‌ها مشارکت داشتند و توانستند تا حدودی شرایط را به نفع زنان تغییر دهند. در میان اعضاء کمیسیون انتخاب کننده اعضاء لویه جرگه‌ی اضطراری سه خانم هم حضور داشتند: محبوبه حقو قمل، استاد سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل به عنوان معاون کمیسیون، ثریا پرلیکا، رئیس سابق مؤسسه نسوان در زمان بیرک کارمل و حمیرا نعمتی. کمیسیون در اولین اقدام نمایندگان عضو جرگه را تعیین کردند که به 1501 نفر می‌رسد. از این میان تعداد 160 نفر از نمایندگان را زنان تشکیل می‌داد؛ به این صورت که از میان اعضاء حکومت و کمیسیون لویه جرگه (جمعاً 53 نفر) 5 زن، از میان شخصیت‌های علمی و مسلکی (29 نفر) 6 زن، مهاجرین ایران و پاکستان (100 نفر) 25 زن، بیجاشدگان (6 نفر) 2 زن و سهمیه خاص طبقه مؤنث 100 زن. سرانجام انتخابات نمایندگان لویه جرگه انجام شد که دو معاون رئیس لویه جرگه نیز از میان زنان انتخاب شدند. دکتر سیما سمر، معاون اول، اعظم دادفر، معاون دوم. (کاظمی، 516-517). سرانجام قانون اساسی افغانستان در لویه جرگه‌ای که به تاریخ 22 آذر آغاز و تا 14 جدی 1382 به طول انجامید با اتفاق آراء به تصویب رسید. این قانون در 6 دلو همان سال با توشیح رییس‌جمهور وقت حامد کرزی به عنوان قانون اساسی رسمی اعلام گردید (منوچهری و مزاری، 308). دولت جدید افغانستان در راستای موافقتنامه بن که به توسعه حقوق زنان تأکید داشت در مهمترین حرکت اصلاحی خود قانون اساسی را در تاریخ 4 جنوری سال 2004 تدوین و تصویب نمود و در قانون اساسی جدید با رویکرد مثبت به حقوق زنان چندین ماده را به این موضوع اختصاص داده است. آن چه مشخص است این است که قانون اساسی نوین افغانستان بر اساس احترام به ارزش‌های دموکراتیک از جمله ارزش‌های انسانی و برابری حقوق شهروندان تنظیم گردیده بود. در مقدمه‌ی این قانون اساسی آمده است که مردم افغانستان به منظور ایجاد جامعه‌ی مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم، این قانون اساسی را تصویب کرده‌اند (مقدمه قانون اساسی جدید افغانستان مصوب 1382). در ماده 1 قانون اساسی افغانستان شکل دولت «جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیرقابل تجزیه» ذکر گردیده است. این ماده از دو عنصر جمهوریت و اسلامیت تشکیل شده است. استواری حکومت بر دو پایه‌ی مردمی در قالب جمهوری و اسلامی است. هر دوی این عناصر مشارکت مردمی را در بطن خود دارا می‌باشند (منوچهری و مزاری، همان، 314). در ماده 4 قانون اساسی نوین افغانستان نیز آمده است «حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کنند». بر این اساس می‌توان توجه به عامل ملت و شهروندان را در این قانون مترقی دید. در ادامه‌ی این ماده آمده است که ملت افغانستان شامل تمامی افرادی است که تابعیت افغانستان را داشته باشند. از این رو روشن است که زنان نیز در دایره‌ی شمول این ماده می‌گنجند و از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار هستند. در ماده 7 قانون اساسی نیز آمده است که «دولت افغانستان منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند». به این ترتیب در این ماده نیز دولت افغانستان خود را متعهد به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ساخته است که تمام انسان‌ها را به حکم انسان بودن دارای حقوق برابر می‌داند و جنسیت را به هیچ عنوان عامل جدایی و تبعیض نمی‌داند. در ماده 22 این قانون بار دیگر بر این امر تأکید شده و آمده است که «هر نوع تبعیض و امتیاز میان اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می‌باشند». در ماده 33 از قانون اساسی نوین افغانستان آمده است که «تمامی اتباع افغانستان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار می‌باشند» (متن قانون اساسی افغانستان مصوب 1382). در ماده 67 که مربوط به شرایط کاندیدای ریاست جمهوری است، آمده است که «کاندید باید تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان باشد و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد» بنابراین می‌بینیم که با داشتن شرایط عمومی، هیچ منعی برای کاندید شدن زنان برای این پست وجود ندارد. همچنین در ماده 72 برای عضویت زنان در کابینه نیز هیچ محدودیتی مطرح نشده و فقط شرط تابعیت افغانی مطرح شده است. ماده 83 قانون اساسی در مورد انتخابات اعضاء ولسی جرگه باز هم حالت اختصاص را مطرح کرده است «در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت به طور متوسط، حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.» در این ماده، از اصل تبعیض مثبت به نفع زنان استفاده شده است که براین اساس برای حمایت از عضویت زنان در پارلمان سهمیه خاص را برای آنان در نظر می‌گیرند. ماده 84 مربوط به تعیین اعضاء مشرانو جرگه است که یک سوم این اعضاء توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و رئیس‌جمهور نیز نصف این میزان را به زنان تخصیص داده است. در ماده 118 در مورد عضویت در پیش‌نویس محکمه (دیوان عالی) حالت عمومی حاکم است که با ذکر تبعه افغانستان رسیدن به این مقام برای زن و مرد واجد شرایط ممکن است. (قانون اساسی افغانستان، ماده‌های 67، 72، 83، 84، 118). به این ترتیب با

ملاحظه مواد قانون اساسی افغانستان می‌توان دریافت در این قانون مشارکت سیاسی زنان به رسمیت شناخته شده و مانعی جدی بر سر راه مشارکت سیاسی زنان دیده نمی‌شود. اما آیا خارج از متن قانون اساسی و در متن حیات سیاسی نیز اوضاع به همین منوال است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان نگاهی به دورن مجلس افغانستان و شورای ولایتی این کشور انداخت. افغانستان دارای دو مجلس است: 1- ولسی جرگه یا شورای مردم که دارای 249 عضو بوده و اعضای آن به طور مستقیم برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌گردند. بر اساس قانون اساسی که در سال 2004 میلادی تصویب گردید 68 کرسی در ولسی جرگه برای زنان اختصاص داده شده است. 2- مشرانو جرگه که دارای 102 عضو بوده و 34 عضو آن از سوی شوراهای ولسوالی‌ها برای یک دوره سه ساله تعیین می‌گردند. 34 عضو دیگر توسط شوراهای ولایتی (یک عضو از هر ولایت) برای یک دوره چهار سال و 34 عضو باقیمانده از سوی رئیس جمهور کشور برای پنج سال منصوب می‌گردند. قانون اساسی 50 درصد از 34 عضو منتصب در مشرانو جرگه از سوی رئیس جمهور را به زنان اختصاص می‌دهد (وزارت امور زنان، 1387، 24). در سال 2007 میلادی 68 کرسی (27/3 درصد) از مجموع کرسی‌های ولسی جرگه در پارلمان کشور را زنان کسب کرده‌اند. با آنکه این دستاورد عالی است ولی با آن همه این رقم پایین‌تر از 30 درصد حداقل سطح قبول شده جهانی است. هدف ملی درازمدت، حدود 50 درصد زنان در پارلمان (مشرانو جرگه و ولسی جرگه) می‌باشد. در شورای ولایتی نیز مجموعاً 420 کرسی وجود دارد که از جمله 124 کرسی آن بر اساس قانون به زنان اختصاص داده شده است. در سال 2005 میلادی زنان برنده 121 کرسی شدند. در انتخابات شوراهای ولایتی که برای دور دوم در کشور در سال 2009 برگزار شد نیز 328 کاندید زن برای شورای ولایتی ثبت نام نمودند که در میان 381 پیروز 108 زن حضور داشتند. " (کاظم، همان، 522).

بنابراین در مجلس نیز شاهد حضور کمی زنان هستیم با این وجود رای و کومار بر این باورند که زنان در مجلس افغانستان جایگاه ضعیفی دارند و چندان اثرگذار نیستند. به باور آنان زنان همچنان در موقعیت حاشیه‌ای باقی مانده‌اند (Kumar, & Rai, 2007, 87). این امر بیشتر متوجه کیفیت و اثرگذاری مشارکت سیاسی زنان است. بر اساس قانون اساسی جدید افغانستان حداقل 25 درصد نمایندگان مجلس باید زن باشند. این میزان بیش از بسیاری از کشورهای آسیایی است. با این حال حضور صرف زنان در مجلس فی‌نفسه به آنها توان سپیم شدن و اعمال نفوذ در فرایند سیاست‌گذاری را نمی‌دهد. تجربه‌ی لویی جرگه نگرانی‌ها را پیرامون اینکه بسیاری از نمایندگان زن عمدتاً به صورت نمادین و با هدف برآورده ساختن انتظارات جامعه‌ی مدنی در مجلس حاضر شده‌اند را تقویت کرده است. بسیاری از زنان نماینده از سوی مردان هدایت می‌شوند و با دستورالعمل حمایت از حقوق زنان وارد مجلس نشده‌اند (Friedrich- Ebet, 2004, 1). به این ترتیب می‌توان دریافت اگرچه مشارکت سیاسی زنان در پارلمان و شورای ولایتی افغانستان مناسب است و نمایندگان زن بسیاری در ارکان قانون‌گذاری در این کشور حضور دارند اما این حضور بیشتر از آن که با تاثیرگذاری و کارآمدی به‌ویژه در مسیر دفاع از حقوق زنان همراه باشد بیشتر کمی است و نمایندگان زن به نسبت تعدادشان از نفوذ بالایی در فرایند سیاست‌گذاری برخوردار نیستند. این خود بحثی جدی است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد.

وضعیت در خصوص پست‌های سیاسی و اجرایی نیز تا حدود زیادی به همین منوال است. در کابینه دور اول ریاست جمهوری کرزای از 25 وزیر تنها یک تن آن (4 درصد) آن زن بود. در سال 2007 میلادی افغانستان دارای 17 سفیر در خارج از کشور بود که از آن جمله 15 تن (88 درصد) آنان را مردان و 2 تن (11 درصد) را زنان تشکیل می‌دادند. در انتخابات ریاست جمهوری دور اول، باز هم مسعوده جلال به عنوان تنها نماینده طبقه مؤنث در میان کاندیداها حضور داشت. او نیز مانند دیگر کاندیداها به تشریح برنامه‌های خود برای مدت ریاست دولت در صورت برنده شدن پرداخت. در حدود بیش از 10 میلیون نفر، کارت رأی اخذ نمودند که حدود 42 درصد آنان را زنان تشکیل می‌داد. همچنین دو تن از کاندیداها مرد نیز معاون خود را از میان زنان انتخاب نموده بودند. بنابراین چنانچه از منظر کمی و با توجه به تعداد زنان صاحب منصب در ارکان مختلف قانون‌گذاری و اجرایی به موضوع مشارکت سیاسی زنان در افغانستان بنگریم در سال‌های پس از روی کار آمدن نظام سیاسی جمهوری اسلامی در افغانستان مشارکت سیاسی زنان بهبود یافته بود و شاهد حضور هرچه بیشتر آنان در ارکان گوناگون نظام سیاسی بودیم.

شرایط زنان به طور عموم در دوره پسا طالبان

در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، نظام طالبان سقوط نمود و به رغم روی کار آمدن دولت موقت، گروه‌های جهادی همچنان اهمیت و جایگاهی برای زنان قائل نبودند، با این حال، تحت فشار افکار عمومی جامعه جهانی، دو زن به نام‌های دکتر سیما سمر به عنوان وزیر امور زنان، و سهیلا صدیق به عنوان وزیر صحت عامه به کابینه راه یافتند.

در سال ۱۳۸۱ خورشیدی، جشن روز جهانی زن با شرکت گروه های از زنان تحصیل کرده و فعال افغانستان و با حضور بعضی از سازمان های بین المللی حقوق زن و سازمان های داخلی فعال برگزار شد. شرکت کنندگان درین نشست، با تاکید بر اینکه زنان افغانستان پس از دو دهه جنگ، بیش از هر گروه اجتماعی دیگر صدمه دیده اند، به مصائب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله فقر شدید، بی سوادگی گسترده، ناامنی، فقدان امکانات بهداشتی، میزان بالای مرگ و میر مادران و نوزادان در زمان وضع حمل، ازدواج های اجباری، محدودیت دسترسی به امکانات کار و نیز محدودیت نفوذ در تصمیم گیری های سیاسی، اشاره و خواسته های خود را بدین گونه طرح کردند:

1- رفع ریشه های خشونت علیه زنان؛

2- اعطای حقوق برابر زن و مرد و حمایت از آن؛

3- حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار؛

4- جلوگیری از ازدواج های اجباری؛

5- جلوگیری از نامزدی در دوران طفولیت؛

6- تصویب کنوانسیون منع هرگونه تبعیض در مورد زنان (گزارش یونیفوم، ۲۰۰۲).

دولت موقت نیز در ۵ مارچ ۲۰۰۳، کنوانسیون سازمان ملل متحد مبنی بر منع هر نوع تبعیض علیه زنان و تعداد دیگر از پیمان های حمایت از حقوق بشر را امضا کرد و متعهد گردید، برابری حقوق زن و مرد را در چارچوب های حقوقی جاری کشور به مرحله اجرا در آورد (پاکوب، ۲۰۰۴).

در قانون اساسی جدید، ماده ای قانونی برای برابری حقوق زن و مرد و همین طور اجرای حقوق بشر، مقرر و در ماده ۵۲ بر حمایت قانونی دولت از زنان بی سرپرست و کهنسال و معلول، و نیز در ماده ۵۴ به حمایت از خانواده و سلامت جسمی و روحی آن به خصوص اطفال و از بین بردن رسوم مغایر با احکام اسلام، تاکید گردید. درین قانون علاوه بر اینکه اقداماتی برای شرکت زنان در مناصب سیاسی صورت گرفته، شرایط ریاست جمهوری نیز برای آنان مهیا گردیده است. در حال حاضر برقراری ثبات و امنیت در سراسر افغانستان، لازمه اجرای قوانین است. اتباع افغانستان به شمول زن و مرد در فضای قانونی، بهتر زندگی خواهند کرد. نقش زنان سازنده است. مردان باید زنان را در حاشیه نیندارند و در متن امور دخالت دهند.

مشکل اساسی جامعه افغانستان بخصوص در مورد زنان، تفاسیر نادرست از اسلام است. زیرا سنت ها و فرهنگ ها به نام اسلام بر زنان تحمیل می شوند و اصل اسلام، منافاتی با حقوق زنان ندارد (حقوقمل، ۱۳۸۲).

عدم گسترش و تثبیت حیطة قدرت دولت موقت در خارج از کابل، یکی از دلایل عدم حاکمیت قانون و هرج و مرجاری در وسیع ترین بخش های افغانستان است. برای بیشتر زنان، عملاً امری محال و غیر ممکن است که آزادانه تردد کنند؛ حتی زنان عضو هیئت های اعزامی از جانب لویه جرگه که سعی در دفاع از حقوق زنان دارند، از سوی گروه های مسلح مورد تهدید قرار می گیرند (پاکوب، ۲۰۰۴).

نتیجه گیری

در مجموع افغانستان با دارا بودن خصوصیات جامعه کشاورزی، بسته و فقیر و ویژگی های قومی و قبیله ای، نیز وجود احزاب متأثر از این ویژگی ها که با دارا بودن هویت قومی و زبانی مشخص در مقاطع گوناگون بر این کشور غلبه داشته اند، نتوانسته در جهت اهداف کلان ملی بین احزاب موجود، همسویی ایجاد کند. نبود یک دولت کارآمد نیز موجب تشدید تضادهای قومی و قبیله ای آن گردیده، و در نتیجه بایسته است که مردم افغانستان با کار خلاق فرهنگی، خواسته های قومی را تا سطح خواسته های ملی ارتقا دهند؛ چرا که هویت های قومی، پایبست هویت ملی است، و هویت ملی، پایبست هویت فرهنگی.

شرایط خاص جغرافیای طبیعی افغانستان که بیش از نیمی از وسعت آن را کوه ها، ارتفاعات و سنگلاخ ها پوشانده و امکانات رفت و آمد را محدود کرده است، موجب گسست ارتباطات گردیده، و علاوه بر آن، شرایط بد اقتصادی و پایین بودن سطح آموزش و آگاهی نیز لطمه های فراوان به جامعه افغانستان وارد آورده؛ گرچه زنان افغان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، پس از سال ها تلاش تشکل های زنان در جهت فرهنگ سازی و زدودن سایه جهل و بیسوادی به موفقیت های نائل آمده اند.

بعد از سلطه مجدد طالبان، زنان با همه تغییرات ایجاد شده تا زمانی که سایه شوم خشونت، بدبینی و تعصبات خشک مرد سالارانه را بر بالای سر خود حس کنند، شرایط خاصی را تجربه می نمایند، و در ساختار اجتماعی خاصی به سر می برند و نباید از آنان انتظاراتی بزرگ داشت. ضرورت تغییرات ماندگار، تغییر در نگرش هاست و لازمه چنین

تغییری در رفتار عمومی نیازمند به زمانی طولانی تر است. به نظر می‌آید، وضعیت زنان افغان را باید با وضعیت افراد در بحران مقایسه کرد. در شرایط بحرانی، فرایند اجتماعی شدن، وارونه می‌شود، واکنش‌های آموخته شده به یک سو نهاده شده، و فرد، اضطراب‌های کودکان خردسال را تجربه می‌کند که برای برگرداندن آنها به حالت طبیعی باد روندی طولانی طی شود.

شخصیت، ارزش‌ها و شیوه نگرش افراد، هیچگاهی ثابت نیست، بلکه در رابطه با تجربیات آنان در سراسر دوران زندگی تغییر می‌کند.

در اخیر باید گفت زنان امروز افغانستان زنان بیست سال پیش نیستند، این تفاوت را در موضع‌گیریها و اعتراض‌های زنان نسبت به مذاکرات صلح دوحه، فروپاشی نظام جمهوری و استقرار نظام طالبانی و کم‌توجهی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و دیگر نهاد‌های حقوق بشری می‌توان دید؛ خصوصاً پس از حاکمیت دوباره طالبان، علی‌رغم فشارهای زیاد، تهدید و ارباب‌زبانی که متوجه زنان بوده بر شدت اعتراضات خود چه در داخل و چه در خارج از کشور، افزوده است. به صورت دسته‌جمعی و همچنان با استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی خواهان حفظ دست-آورد‌های دو دهه‌ی گذشته به ویژه در بخش زنان شده و تأکیدشان بر این است که این کتله عظیم بشری (زنان) نباید نادیده گرفته شود.

به رغم سال‌های تلاش تشکلی‌های زنان فعال اجتماعی و سیاسی افغانستان و با آنکه حکومت بیست ساله جمهوری در افغانستان، بخشی از مقررات افراطی طالبان درباره زنان را باطل کرد، و فضای اجتماعی و سیاسی جامعه را در جهت سوادآموزی گسترده و ورود زنان به مجلس، و ایجاد شعب دفاتر زنان در ولایت از طریق وزارت زنان که نهاد دولتی بود، فراهم آورد، اما با سلطه مجدد طالبان در ۲۰۲۱ میلادی، فریاد‌های زنان در گلو حبس شده است. سیل مهاجرت زنان تحصیل کرده و خانواده‌های آنان و بیم و هراس از محدودیت‌های روزافزون، عرصه فعالیت‌های اجتماعی سیاسی را برای آنان تنگ نموده، و به لحاظ تاریخی، تشکلی‌های که در فوق به آن اشاره شد، لازم است همچنان به فعالیت‌های شان بطور نهان ادامه دهند و با استفاده از دنیای دیجیتال و شبکه‌های مجازی به توانمندسازی زنان و دختران در خانه‌ها و جامعه بپردازند.

آنچه که به لحاظ بنیادی جامعه افغانستان با آن مواجه است، بافت قومی و فرهنگی است که سیطره خود را طی سال‌ها بر زنان و دختران مستولی داشته، چنانکه در برخی موارد، سازمان عفو بین‌الملل در گزارش‌های خود، نظام قضایی افغانستان را زیر برده است. ازدواج‌های ناخواسته و ضعف دستگاه قضایی از مواردی است که سازمان عفو بین‌الملل به آن اشاره می‌کند.

در بعضی مناطق افغانستان، نگاه ایزاری به زنان همچنان به قوت خود باقی است. زن، "سیاه سر" خوانده می‌شود و فقط فرزندان پسر، "بچه" محسوب می‌شوند. زنان کمتر در تصمیمات خانوادگی دخالت داده می‌شوند. حق انتخاب همسر و طلاق همچنان برای مرد نگهداشته شده است. بر اساس یک قانون نانوشته، حتی بدون اینکه محدودیت شرعی وجود داشته باشد، زن نمی‌تواند در مراسم عقد نگاه حضور یابد، و باید از طریق یک وکیل مرد، جواب مثبت از پیش تعیین شده‌ی والدین (معمولاً پدر) را به عاقد بدهد. با این حال، تصویب قانون اساسی در دوره جمهوری، یک دستاویز بسیار موفقیت‌آمیز بوده، و دستاوردی بزرگ برای جامعه افغان‌ها به خصوص زنان افغان محسوب می‌شد.

جا دارد یادی هم از زنان روستایی که نقشی مهم در اقتصاد خانواده‌ها دارد، اما در بسیاری از موارد کار آن‌ها به حساب نمی‌آید نیز یادی کنیم؛ و در نظرسنجی‌ها مشاهده می‌شود که اکثراً زنان روستایی را بیکار معرفی می‌کنند. با آنکه آنها در کار کشاورزی و نگهداری حیوانات هم پای مردان کار و فعالیت می‌کنند. به خاطر این که به آن‌ها دست‌مزدی تعلق نمی‌گیرد، کارشان به حساب نمی‌آید. همچنان نتیجه‌ی کارشان در بسیاری از موارد به خاطر این که مختلط با مردان هستند به پای مردان حساب می‌شود. زنان روستایی نقش بسیار بارزی در تولید صنایع دستی مانند قالی و گلیم دارند. هنرهای مانند دوزندگی نیز از منابع درآمد آن‌ها به شمار می‌رود. اما هیچ کدام آن‌ها به حساب یک شغل برایشان مطرح نمی‌شود. زنان روستایی چه از جهت کار و درآمد و چه از لحاظ پرداختن به حقوق زنان، جز فراموش‌شدگان هستند. وزارت‌های وقت، مربوط، مانند وزارت امور زنان فعالیت‌های شان بیش‌تر به شهرها معطوف بوده و در روستاها به دلایل مختلف کمتر فعالیت داشتند. آن‌ها به دلیل جو حاکم بر جامعه و کمبود امکانات، و بعضاً مشکلات اقتصادی به آموختن سواد توجه چندانی ندارند. که این مشکل به تنهای خود عظیم‌ترین دردی بر پیکره زنان مستاصل و بی‌پناه زنان افغان بوده و معلوم هم نیست که چه زمانی حل می‌شود.



## منابع

- 1- آرزو، عبدالغفور (1382). چگونگی هویت ملی افغانستان، تهران، انتشارات عرفان.
- 2- احمدی، حکیمه سادات (1379). زن افغانستانی، صدای زن، س1، ش4.
- 3- انتشارات و مطبوعه میومند. نظیری، شیرین (2013). تاریخچه جنبش زنان در افغانستان، نگاه زن.
- 4- پیام آفتاب (1391). سازمان دموکراتیک زنان افغانستان.
- 5- توکلی، فایزه (1383). حیات اجتماعی زن افغان، نشریه پل فیروزه (ویژه افغانستان)، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- 6- خلوصی، محمد حسین (1389). (زن و مشارکت سیاسی در افغانستان. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان. فرصتها، چالشها و راهکارها. قم: انتشارات بین المللی المصطفی.
- 7- دولتشاهی، صنم (2012). گروه های فعال حقوق زنان در افغانستان.
- 8- سمرقندی، شهرزاده (2013). تلاش زنان جوان افغان برای تغییر.
- 9- سیرت، حسین زمان (2010). استقبال مردم از نامزدی دکتر سمر برای جایزه صلح نوبل.
- 10- صدیق فرهنگ، میرمحمد (1380). افغانستان در پنج قرن اخیر. تهران، انتشارات عرفان.
- 11- صافی، گلرخسار (1380). روایت ناگفته (بازنگاری خاطرات زنان تاجیک و افغان از جنگ های داخلی دهه اخیر)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- 12- صادقی، فاطمه، (1382)، سیاست برقع؛ زنان افغان پیش و پس از طالبان.
- 13- کاظم، سید عبدالله، زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، 2005، کالیفورنیا
- 14- مقصودی، مجتبی، و غلهدار، ساحره. (1390) مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از حادثه 11 سپتامبر. نشریه مطالعات روابط بین الملل، دوره 4، شماره 17،
- 15- مولوردی، شهیندوخت (1385)، کالبد شکافی خشونت علیه زنان، تهران، حقوقدان، دانش نگار،
- 16- نیکلز، کریستینا (2003). <http://www.kar-online.com/zanan/-3.html>.
- 17- واسع، سروش (2009). کمپین پنجاه درصد برای حقوق زنان افغان.
- 18- یاکوب، مارگارت، حضور خشونت دایم در زندگی زنان، ترجمه عزیز فولادوند، نشریه ماهانه داخلی سازمان عفو بین الملل.
- 19- Kumar, Sanjay & Ray, praveen (2007), Change in the Status of Women in Afghnistan, in the Asia Foundation (State Building, Political process and Human Security in Afghnistan).
- 20- Fournier, Patrick & EtAl, (2010), The Determinants of Youth Political Participathion: Conventhional and Non Conventhional. University Montreal and McGill.
- 21- Independentpersian.com
- 22- <https://www.subhekabul.com>
- 23- <http://www.hambastagi.org>
- 24- <https://www.etilaatroz.com>
- 25- <https://www.bbc.com/persian/afghanistan>
- 26- <https://nimrokhmedia.com>
- 27- <https://www.aasoo.org>
- 28- <https://moccapparty.org/DA/posts/dari>